

۱۹۸۸-۱۹۹۱

دوست منزهت‌مطلب الحاحی

سلام گرم بر همه را بیدار کرد و نیز نورش مرا از آنست که انقدر در پی ما نه خوشایند
 ما اینجایم. بیش از سه ماه خوش‌نم از امر آن دل‌گداز کردی در هر به سرانجام آمده بودند و
 شبانه روزمان به یاد آورده‌ای ما دور بودیم و گفت و شنود گذشت. (که در این منزلت
 خندان می‌کاریم نبودم. برگزیده از آن سو آنی دوران عاقل از مدرسه تا حالا حج کرده‌ام مردم
 ابرو خندان که گفتم گزیده از سعادت نه هم کارها را که به نزدت کوچی خود من چهار بود و اند
 ضمیمه در حدود ۵۰ صفحه است که سه چهارم آنها خوانده‌ای نیستند و بقیه هم برای کسانی است
 که که ندستی بسته به خود من دانسته و دارند. اما این است که هست. مادام این کتاب
 جایی نخواهد بود بویژه از نظر مواد ارالی و است اندر کاران "موجود تو" که می‌گویند شعر
 باید بر صحنه بیاید و تا مفهوم ترا بشود. سگ خدی بجای به نظری این گروه هم خندان را ساره
 کرده‌اند. اما جرمانی است که در سود ترا بپس آنکه هر روز رایج تر می‌گردد. این
 "سیک بندی مدرن" بویژه در میان نویسندگان جوان، پروان زیاد دارد و بسیار
 که آثار برجسته ارید بر آورد. باید منتظر و امیدوار بود.
 و اما از آنست که دوستی است برای زندگی، یک دنیا آدم. تو نقاش
 عزیز من به مرا آتو کنی می‌کنم داین هم دگر می‌زنای است بر آن دو شوهر که مرا به دوست
 می‌فرستم.

بیایست رایه ایرم (فرنیخته می‌آورد) رساندم. راستی هر دو می‌توانند چنین آید.
 و هر دو دوست و نادار ~~می‌باشند~~ می‌باشند
 سوزنی = مساد کام بابی
 راه
 دو طرفه و بر پایه مضامین
 لندن ۲۰ فوریه ۱۹۹۰